

نگاهی به «الکافی» در سالروز وفات مرحوم کلینی

الکافی مفهوم «عقل دینی» را از دریای روایات شیعی بیرون کشید



■ مریم زاهدی

شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی معروف به شیخ کلینی، از مشهور ترین فقهای شیعه است که در زمان حیات امام حسن عسکری (ع) در نیمه اول قرن چهار دهم هجری به دنیا آمده است. وی که متولد حومه شهر ری (روستایی به نام کلین در نزدیکی حسن آباد امروزی) است، علوم اسلامی را نزد پدر و دایی و نیز در ری فراگرفت. وی از نوابغ دوران در علوم دینی بود و به زودی حوزه علمیه ری را تحت زعامت گرفت. شیخ کلینی که مهم ترین دغدغاش، جمع آوری روایات ائمه معصوم بوده است در پی این هدف، سالیان زیادی را پای درس فقها و روایان حدیث در قم و بغداد گذراند.

■■■

■ عصر کلینی

کلینی در دورانی پر از آشوب و تلاطم به دنیا آمد که شاید منازعات و جدل های جدی میان مکاتب و ضعف فرقه های اسلامی، از مهم ترین ویژگی های آن به شمار رود. حکومت خلفای عباسی از اواسط قرن سوم هجری قمری، کم کم اقتدار پیشین را از دست داد و رو به افول گذاشت و درون ممالک اسلامی شکل گیری حکومت های محلی همچون «فاطمیان» در مصر و بخش های «امیر نشین» زیر نظر خلیفه که در عمل، مستقلاً به اداره ممالک تحت اختیار خود می پرداختند بر شدت ضعف حکومت عباسیان افزود. در این فضای ضعف حکومت و کاهش اقتدار گرایان آن، فرقه های اسلامی فرصت یافتند عقاید خود را منتشر سازند و پایه های نظری و عقیدتی تشیع در این عصر، مدون شد. در این عصر، گروهی از مسلمانان اولین فرقه یا گرایش فکری درون اسلامی را با نام «معتزله» رقم زدند که در واقع تقریر متفاوتی از مسائلی چون جبر اختیار، توحید و صفات الهی، مبدأ آفرینش دنیا... ارائه می کرد که با روش فقهی حدیث گرا در تعارض بود. در مقابل، فرقه اشعری مسلکی شکل گرفت که اعتقاد به گونه ای افراطی از بنیاد گرایی از مسائلی چون جبر اختیار، جریان اهل حدیث با نوعی پایبندی خردگرا نه نسبت به روایات و درک سطحی و ظاهری از آنها به اعتقاداتی چون تجسم خداوند روی آوردند که این نگاه البته میان اهل سنت حنبلی صاحب طر فداد بود. جریان اهل رأی در مقابل که شمار زیادی از حنفیان را نیز در برمی گرفت، بر ضرورت استفاده از عقل در دین و حتی احکام تعبدی پای می فشر د. این جدل رفته رفته به میان علمای شیعه نیز کشیده شد و در عصر حیات کلینی، بازار این مباحث داغ بود. در این دوره است که کلینی با جمع آوری کتاب مهم کافی، می کوشد تا مسائل مهم مورد اختلاف میان این فرق را با جمع آوری روایات امام معصوم به داوری گذارد و توجه ویژه به علم و خرد گرایی خاصه در دو بخش نخست کتاب اصول کافی، نشانگر جمع خرد گرایی و حدیث بود.

عصر کلینی را می توان دوران مدون کردن روایات و تدوین متون به حساب آورد. متون روایی در قرن سوم با پیدایش مجموعه وسیعی از «جوامع حدیثی» و «مسند ها» و «سنن» همراه می شود که از آن جمله می توان به «مسند احمد»، «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم» و «صحیح ترمذی» اشاره کرد. البته کتب جامع در حوزه های غیر روایی در حوزه هایی چون کلام، تاریخ و فلسفه نیز رفته رفته از این قرن نگاشته می شوند که به عنوان مثال می توان تاریخ طبری را از آن زمره به

حساب آورد.

در میان این حجم تألیفات و گردآوری منابع تاریخی، شاهد وجود پراکندگی زیاد در روایات شیعی هستیم که در بیش از ۴۰۰ کتب حدیثی که به «اربعمائه» مشهور بود، پخش شده بود. گر چه منابع حدیثی شیعه، علاوه بر وجود مقدس پیامبر اکرم، شامل قول ائمه معصومین و سیره ایشان نیز می شد، تلاشی سنگین و بی وقفه می طلبید تا مهم ترین روایات شیعه در مجموعه ای واحد جمع آوری گردد که البته این همت را مرحوم شیخ کلینی با تلاش ۲۰ ساله خود در تألیف «کافی» به خرج داد. وی در پایان مقدمه خود، به درخواست دوستی ناشناس اشاره می کند که به شیخ می گوید «ای کاش کتابی نگاشته می شد که در همه زمینه های دینی، روایت صادقین را در خود جمع داشت و به این ترتیب اختلاف بین روایات که عامل سردرگمی است، از بین می رفت و مرجعی برای هر جویای حقیقتی می شد.» و شیخ کلینی به این درخواست جواب مثبت داده و به جمع آوری احادیث می پردازد.

نام کتاب نیز از همین درخواست و پاسخ بر گرفته شده است، بدین سان که شیخ کلینی در بخش واپسین مقدمه کتاب خود خطاب به آن دوست ناشناس نوشته است: «وقلت انک تحب ان یکون عندک کتاب کاف یجمع فیه علم الدین». گفتی که مایلی نزد کتابی باشی که با جامعیت در علوم دین، «کافی» باشد.

■ شرح کافی

شاید در طول تاریخ شیعه، زعمای دین از کمتر کتابی چون «الکافی» تقدیر کرده باشند. عالمان شیعه بیشترین حد ستایش را از این کتاب و شیوه تنظیم روایات در آن در قیاس با سایر کتب حدیثی به عمل آورده اند. شیخ مفید از بزرگ ترین زعمای شیعه در عصر غیبت، معتقد بود «این کتاب از گرانقدر ترین کتاب های شیعه و مفیدترین آنهاست» (من أجل کتب الشیعة واكثرها فائدة است). محمد بن مکی معروف به شهید اول نیز بر این باور که «در امامیه کتابی در حدیث همپایه الکافی نوشته نشده است» و محقق کرکی کتاب الکافی را کتابی بی مانند و «الجامع الکبیر لاحادیث ائمة الهدی» خوانده و می نویسد: «این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث است که در کتاب های دیگر دیده نمی شود.»

علت این ستایش ها ویژگی های خاصی است که این کتاب در زمان خود داشته است. نخستین اهمیت و ویژگی کافی، نزدیکی به دوران امام معصوم (ع) است، به طوری که آن را می توان نخستین جامع احادیث شیعه به حساب آورد که پیش از غیبت کبری به نگارش در آمده است. تنوع موضوعات در کافی و دسته بندی جالب و قابل الگو گیری شیخ کلینی دومین ویژگی آن است که سه بخش اعتقادات، احکام و متفرقه شامل اخلاقیات و... را در برمی گیرد. ویژگی دیگر کافی این است که مرحوم کلینی سعی کرده است سلسله سند را به صورت کامل بیاورد.

کافی مشتمل بر حدود ۱۶ هزار و ۱۰۰ روایت از معصومین علیهم السلام است. این روایات در سه بخش «اصول»، «فروع» و «روضه» تنظیم شده اند که در واقع نخستین بخش یعنی اصول را می توان دربر گیرنده مهم ترین روایات این کتاب دانست.

اصول کافی متضمن روایات اعتقادی و اخلاقی است که پایه های اعتقادات شیعه در آن بیان شده است. تأملی در نخستین ابواب اصول کافی، به وضوح وجه تمایز

شیعه را با سایر ادیان و فرق نشان می دهد، خاصه آنجا که «عقل» و «علم» نخستین و دومین فصل های کتاب روایی مرحوم کلینی به شمار می روند. باب «العقل والجهل» نخستین بخش از اصول کافی است. از نظر مرحوم کلینی «عقل معیار تکلیف و ثواب و عقاب الهی است» و برای همین کوشیده است با گردآوری روایت منسوب به ائمه اطهار پیرامون اهمیت عقل در دین و البته با توجه به لزوم پرهیز از خرد گرایی غیر تعبدی، به تعریف «عقل دینی» پردازد و آن را بستر و محفلی اساسی برای دینداری مؤمنان در نظر گیرد. دومین بباب از کتاب اصول کافی، توسط کلینی غیر یقین آور و گمانه زنی تأکید شده است. ابتدای این فصل به روایات در مدح فضیلت دانش اندوزی اشاره کرده و سپس طی روایاتی به نهی از گمانه زنی در مسائل دینی و استفاده از روش های غیر معتبر همچون قیاس



«کتاب الحجّه» از ابواب مهم اصول کافی است که در آن، مهم ترین تمایز میان شیعیان و اهل سنت یعنی اعتقاد به امام و حجت را با جمع آوری آیات مربوطه، مطرح نموده است. در این بخش، کلینی کوششیده است ضمن تبیین تفاوت میان پیامبر و امام در دیدگاه شیعه، مجموعه ای از صفات و ویژگی های ائمه اطهار (ع) را بیان نماید. کتاب الحجّه، در قسمت هایی به نام «ابواب التاریخ» به تاریخ زندگانی هر یک از چهارده معصوم پرداخته است و دست آخر نیز بخشی به امام زمان (عج) و ویژگی های ایشان و عصر غیبت و عصر ظهور اختصاص یافته است

شاید در طول تاریخ شیعه، زعمای دین از کمتر کتابی چون «الکافی» تقدیر کرده باشند. عالمان شیعه بیشترین حد ستایش را از این کتاب و شیوه تنظیم روایات در آن در قیاس با سایر کتب حدیثی به عمل آورده اند. شیخ مفید از بزرگ ترین زعمای شیعه در عصر غیبت، معتقد بود «این کتاب از گرانقدر ترین کتاب های شیعه و مفید ترین آنهاست»

برای تشخیص اصول و احکام دین که نتیجه آن بدعت در دین خداست، پرداخته است. همچنین از قرآن و سنت، به عنوان دو منبع کمک کننده عقل در تشخیص احکام و مسائل در این باب اشاره شده است. اما باب توحید که از فصول بسیار مهم اصول کافی به شمار می رود، مسئله شناخت خدا و آگاهی به صفات او را موضوع گردآوری روایات قرار داده است. جالب اینجاست که بسیاری از روایات گردآوری شده در این فصل، میان متکلمان اسلامی و فلاسفه مورد مناقشه و بحث های فراوان قرار گرفته است. براین مربوط به «حادث بودن عالم» که روایتی منسوب به امام صادق (ع) در منظره با جمعی از اهل کفر است، آغازگر این بخش کتاب است و در ادامه موضوعاتی نظیر «شیء بودن خداوند یا نیزه ای او از جسمانیت»، «امکان رؤیت خداوند»، «صفات ذاتی و فعلی» و مسائل مهم دیگر دارای جنبه فلسفه و خدانشناسی در روایات همچون «بداء»، «جبر و اختیار»، «مسئله شرور»، «سعادت و شقاوت» و «هدایت انسان ها» مدنظر مرحوم کلینی قرار گرفته اند.

در آن، مهم ترین تمایز میان شیعیان و اهل سنت یعنی اعتقاد به امام و حجت را با جمع آوری آیات مربوطه، مطرح نموده است. در این بخش، کلینی کوشیده است ضمن تبیین تفاوت میان پیامبر و امام در دیدگاه شیعه، مجموعه ای از صفات و ویژگی های ائمه اطهار (ع) را بیان نماید. کتاب الحجّه، در قسمت هایی به نام «ابواب التاریخ» به تاریخ زندگانی هر یک از چهارده معصوم پرداخته است و دست آخر نیز بخشی به امام زمان (عج) و ویژگی های ایشان و عصر غیبت و عصر ظهور اختصاص یافته است. نکته قابل توجه در این بخش البته آن است که تمرکز کلینی بر جمع آوری همه احادیث مربوط به موضوع مذکور، سبب شده تا برخی روایات را که به نظر می رسد دارای جنبه های غلوآمیز نیز هستند در زمره سایر روایات در این بخش اضافه نماید که گاه طی سالیان و قرون بعد، مورد مناقشه قرار گرفته اند. علاوه بر ابواب فوق، که به بیان اساسی ترین مفاهیم و معارف شیعه می پردازد، کتاب اصول کافی دارای بخش های دیگری با نام های «الایمان و الکفر»، «الدعاء»، «فضل القرآن» و «العشره» نیز است.

«فروع کافی» که از نظر حجم، بخش اعظم کتاب «کافی» را در برمی گیرد، بر خلاف اصول کافی که به اصول اعتقادی شیعیان می پردازد، به احکام و اصول فقهی در قالب روایات معصومین پرداخته و در ۲۶ باب این مسائل را بیان نموده است. «کتاب الطهاره»، «کتاب الصلاه»، «کتاب الزکاه و الصدقه»، «کتاب الصیام»، «کتاب الحج»، «کتاب الجهاد»، «کتاب المعیشه» و «کتاب النکاح» تعدادی از این ابواب هستند. با نگاهی به این تقسیم بندی، می توان متوجه شد دسته بندی حال حاضر در تشریح مسائل فقهی رسائل عملیه نیز به گونه ای وام دار شیوه نظام تقسیم موضوعات شیخ کلینی است.

«روضه الکافی» نیز سومین بخش این کتاب است که در آن روایات مختلف و متفاوت در موضوعات گوناگون بدون ترتیب و دسته بندی خاصی آورده شده است. بر خسی از موضوعاتی که روایات این کتاب بدان ها پرداخته اند شامل «تفسیر برخی آیات قرآن»، «توضیه و اندرزهای اخلاقی ائمه اطهار»، «رؤیا و انواع آن»، «دردها و درمان آن ها»، «تاریخ حیات پیامبران، ائمه و برخی صحابه» و از این جمله مسائل است.

صراط

شیعه هیچ گاه از کافی مستغنی نبوده است



کافی، تنها یک محدث نبود. بررسی کتاب کافی از جهت چگونگی تبویب، تقدیم و تأخیر ابواب آن و عناوین انتخابی آنها نظیر کتاب العقل والجهل، کتاب الحجّه، کتاب التوحید و... نشان می دهد که کلینی علاوه بر آن که محدثی بزرگ است، متکلمی چیره دست نیز است و محتوا و روش و عناوین به کار گرفته شده توسط وی، ناظر به مسائل کلامی رایج در روزگار اوست. ضمناً مقدمه شیخ بر کافی، مقدمه درخشانی است که نشان می دهد این مرد چه تسلطی بر عبارات، کلمات، مطالب، مفاهیم کلامی و... داشته است.

حیات کلینی نیز کاملاً منطبق بر دوره غیبت صغراست که از پیچیده ترین و حساس ترین برهه ها در تاریخ تشیع است و شیخ کلینی تقریباً ۲۰ سال پایانی عمر خویش را در بغداد به سر آورد که محل سکونت ثواب اربعه و وکلای ناحیه مقدسه بود و این ویژگی ها در حیات کلینی، برای کسانی که می خواهند درباره حرکت علمی شیعه به تحقیق بپردازند در خور توجه است. کتاب کافی، در دوره ای ۱۱۰ ساله، از وفات مرحوم کلینی در ۳۲۹ هجری تا روزگار ما، بیش از هزار سال است که مرجعیت علمی دارد و بین جوامع شیعه دست به دست می گردد و هرگز هیچ فقیه، متکلم یا مفسر شیعه از آن مستغنی نبوده است.

پیام رهبر انقلاب به کنگره بین المللی بزرگداشت ثقۀ الاسلام کلینی (ره)

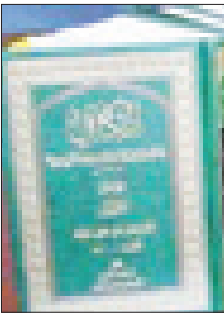
۸۸/۴/۱۷

پیشخوان

اهمیت پژوهش

در صحت و سقم روایات کافی

■ محمدرضا مزروعی



در طول تاریخ شیعه همواره دو نظر نسبت به روایات کتاب کافی وجود داشته است. نگاه نخست رویکرد تأییدی است که برخی علمای بزرگ نیز چنین رویکردی در پیش گرفته اند. از جمله فقهای که اعتقاد به صحت تمام روایات کافی دارد علامه نائینی است.

آیت الله خوینی استاد علم رجال و حدیث که شاگرد علامه است، اعتراف می کند که استاد او معتقد به صحت کتاب کافی بوده و حتی ادعا داشته که مناقشه در سند روایات کافی کار افراد عاجز است و دیگران هم چنین نظری داشته اند و مبنای استدلال آنان مقدمه کتاب کافی است.

شیخ طبرسی از دیگر بزرگانی است که نظر مثبتی به نقه بودن کافی داشته است. طبرسی در بیان صحت کتاب کافی می گوید:

کتاب کافی بین کتب اربعه مانند خورشید میان ستارگان است و اگر انسان منصف کمی تأمل کند به این نتیجه می رسد که برای بررسی سند روایات کافی از رجال صدور و صحت آن به اطمینان می رسد. همچنین جناب هر عاملی اعتراف می کند که منسوب بودن تمام روایات کافی به ائمه ثابت و محل اعتماد و صحت است.

شیخ کلینی در احادیث الکافی، روش های متعدی به کار گرفته است که شامل تعریف رجال مسند، استفاده از طرق گوناگون در نقل یک روایت، نقل روایات از رجال مختلف یا سلسله سندهای متفاوت از دیگر، نقل حدیث هایی از غیر معصوم برای اتمام یا تکمیل روایات و... از جمله این روش هاست.

کلینی اعتقاد و التزام به ذکر همه سندهای حدیث کافی داشته است و صرفاً جز در مواردی اندک، این شیوه را پیش گرفته است و طبق آن روایات را مستند ساخته است. حتی گاه کلینی علاوه بر نام افراد راوی سند، اشاره به کنیه، لقب، قبیله، سند، صنعت، حرفه و... نیز کرده است.

در مقابل، بخشی دیگر از علما نقه بودن همه روایات مذکور در کافی را مردود می دانند. برخی از آنان بر این مسئله خدشه دار وارد کرده اند که بین کلینی و نابیان امام، رفت و آمدی نبوده و از همین رو روایتی را مستقیم از آنان نقل نکرده و البته با توجه به اینکه الکافی در زمان غیبت صغری نگاشته شده است، در صورت عرضه کتاب به نابیان خاص امام زمان (عج) این موضوع در مقدمه کتاب (که پس از تألیف خود کتاب نگاشته شده) اشاره می شد. بعضی از فقها نیز روایان و منابع کافی را از نظر رجالی ضعیف شمرده اند و لذا معتقدند نمی توان روایات کتاب کافی را بی نیاز از بررسی های رجالی دانست.

به هر حال، دو مسئله اساسی در برخی احادیث کافی به چشم می خورد. نخست وجود برخی روایات غیر منطبق با باورهای شیعی است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- روایاتی که امامان معصوم شیعه را بر خلاف مذهب و اعتقادات این طایفه ۱۳ نفر می شمارد؛ با توجه به ضبط های اولیه از کتاب کافی، این روایات در نسخه های نخست کافی منطق یا عقاید شیعه (استفاده از واژه ۱۲ به جای ۱۳) بوده است و بعد در تجدید چاپ یا در مواقع دیگر، تصحیف شده اند.

۲- روایاتی که به ظاهر از وقوع تحریف در قرآن حکایت می کند؛ البته فقیهان و مفسران شیعه در مباحث خود کوشیده اند ثابت کنند که شمول این روایات از تحریف الفاظ و آیات قرآن قاصر است و این روایات صرفاً به تفاسیر نادرست و تحریف در معنا، نظر دارند.

۳- روایاتی که شائیه غلو درباره امامان (ع) را دارد و بر خلاف مذهب مسلم امامیه است.

۴- روایاتی که از منفردات کتاب کافی به حساب می آید مانند روایتی که به مضمون آن پس از اقامه حد سرق، سارق را باید فنی بلد نمود و همین طور حدیثی که به مضمون آن دو سوم وبال عمل جوان زناکاری را که مال پدرش را وصی پدر به او نداده، آن وصی می برد و از آن دست. هر دو مورد ذکر شده، بر خلاف نظر فقیهان و مفسران است.

نکته دوم در خصوص احادیث کافی آن است که در کتاب های رجالی، افراد بسیاری تضعیف شده اند که نام اکثر آنها در اسناد کافی دیده می شود. از این جمله می توان به محمد بن علی صیرفی، فضل بن شاذان، احمد بن محمد سبیاری، عبدالله بن عبدالرحمن الاضم و... اشاره کرد.

به هر حال، هیچ یک از موارد مزبور و مانند آنها نمی شود که از وجهات کافی و محتوای آن کاسته شود، زیرا هیچ کتاب جامع و حجیمی مانند کتاب کافی که تمام موضوعات اسلامی را به خود اختصاص داده است، نمی تواند از چنین عوارضی مصون باشد. کتاب کافی با بیش از ۱۶ هزار حدیث، ضمن اینکه از احادیث صحاح سته اهل سنت بیشتر است، از لحاظ اعتبار متن و سند هم به مراتب، جایگاه برتری را به خود اختصاص داده است.

بیان حدیثی در کتابی دلیل بر اعتقاد مؤلف آن کتاب به آن روایت نیست. آنها احادیث را با سندش ذکر می کنند تا هاشل با تحقیق در سلسله سند و... آن روایت را مورد دقت و موشکافی قرار دهند و در رابطه با کافی هم همین مطرح است، یعنی نرسد او هم تمام روایات کتابش صحیح و معتبر نبوده اند چون خودش در مقدمه کتابش کیفیت علاج دو خبر متعارضین را بیان نموده و فرموده است آنی که موافق کتاب خداست ترجیح دارد و...

همچنین بعضی از محققان گفته اند روش کلینی در ترتیب احادیث هر بابی این بوده که حدیث صحیح تر و روشن تر را اول باب گذاشته و به تدریج احادیث ضعیف و مجمل را در آخر ذکر کرده است و احادیث آخر هر بابی غالباً خالی از اجمال و ابهام نیست و بالاخره باید اشاره کرد، شیعه همچون اهل سنت نیست که کتب صحاح داشته باشد و روی اسناد احادیث نقد و بررسی نداشته باشد و لذا حتی اگر هم حدیثی که کلینی در کتابش روایتی که مثلاً دال بر تحریف باشد نقل کرده و خود بدان معتقد بوده است، دلیل براین نیست که ما آن را درست بپذیریم.